

گزارش همایش چشم‌انداز راهنمایی و مشاوره در نظام آموزش و پرورش در برنامه‌ی پنجم توسعه

رشد یافته‌ها از انسان‌هایی فرهیخته، انسان‌هایی که شخصیتشان آمیزه‌ای از عطف و محبت است، و منطق است، افرادی که بالاترین دانش را دارند، از خصیصه‌های شخصیتی ممتاز برخوردارند، قدرت و محبوبیت دارند، به‌خصوص در دوره‌ی ابتدایی استفاده می‌شود. در آموزش و پرورش باید بهترین‌ها را به‌عنوان علم و چراغ راه هدایت و راهنما و مشاور قرار دهند. من دست معلمان باسواد و بزرگواری را که شرایط تدریس در دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزش عالی را دارند ولی در آموزش و پرورش مانده‌اند و با تواضع به کارشان ادامه می‌دهند، می‌بوسم. آن‌ها می‌دانند که آموزش و پرورش یعنی چه. اگر من هم قدرت انتخاب داشتم، به یقین براساس این باور عمل می‌کردم. هرچند که در حال حاضر نیز بخش اعظمی از اوقات ما با کمال افتخار در حوزه‌ی تعلیم و تربیت می‌گذرد؛ زیرا سرنوشت ما این‌جا رقم می‌خورد.

بهترین نظام آموزش و پرورش، نظامی است که بتواند بچه‌های ۶ تا ۱۸ سال را در مدرسه نگه دارد و نگهداری مناسب دانش‌آموزان در مدارس بدون مشاوره، و در کنار آن مددکاری، امکان‌پذیر نیست. سؤال ما این است که چند درصد از بچه‌های مدرسه، در کلاس‌های ما حضور

سخنران: دکتر غلامعلی افروز
خدای را شاکرم که در این جمع بسیار ارزشمند حاضریم و از دست‌اندرکاران محترم همایش سپاس‌گزارم. یکی از صفات انسان‌های عاقل این است که از تجارب علمی دیگران بهره می‌برند. هیچ‌کس از مشورت بی‌نیاز نیست. در فرایند جامع شدن در دنیای پیچیده‌ی امروزی و تعاملاتی که روزبه‌روز به‌صورت مجازی پیش می‌روند، غیرممکن است که به مشاوره احساس بی‌نیازی شود. آن‌چه بنده بر آن تأکید دارم، این است که چگونه می‌توانیم از مشاوره به‌عنوان یک ضرورت حیات فردی، خانوادگی، اجتماعی و حرفه‌ای به‌نحو شایسته بهره ببریم.

بی‌تردید آموزش و پرورش معبری برای انتقال دکترین و نظام ارزشی حاکم بر جامعه از طریق دانش‌آموزان به خانواده‌هاست. اگر در این معبر ارکان مشاوره را نداشته باشیم و مشاوره‌های ما ناقص باشد، با مشکل مواجه می‌شویم و نمی‌توانیم پیام‌های ارزشی را از طریق مدارس به خانواده‌ها انتقال دهیم. کانال ارتباطی حاکمیت از طریق مدرسه با خانواده‌ها در همه‌جای دنیا مهم تلقی می‌شود. مدارس محافظی رسمی و اجتماعی را در اختیار دارند ولی ما از این ظرفیت خوب بهره نمی‌بریم. به همین لحاظ، در کشورهای

گزارش

بخش دوم

محمد رضا مقدادی

در بخش اول این گزارش، که در فصل‌نامه‌ی شماره ۲۱ به نظر شما خوانندگان عزیز رسید، برنامه‌ی افتتاحیه و خلاصه‌ای از سخنرانی‌های آقای دکتر صافی و خانم دکتر شکوه نوابی نژاد تقدیم شد. در این شماره، فشرده‌ای از سخنرانی آقای دکتر افروز، رئیس محترم سازمان نظام روان‌شناسی و مشاوره، به‌همراه نقد و نظری اجمالی تقدیم شما فرهیختگان ارجمند می‌شود.

دارند؟ چرا این قدر کاهش داریم؟ الان رقابت کشورهای پیشرفته بر سر این است که بتوانند بیش از ۹۵ تا ۹۸ درصد از افراد ۶ تا ۱۸ ساله (سنین مدرسه) را در مدرسه نگه دارند. بهرغم بسیاری از معذوریت‌های شناختی و رفتاری، تأکید بر این است که در طول ۱۲ سال بچه‌ها در دست حاکمیت باشند و این معبر را به هیچ‌وجه خالی نکنند و در دست دیگران قرار ندهند. واماندگی از تحصیلات درد بزرگی است. بیش از ۵۰ درصد بزهکاران ما در جامعه، واماندگان از تحصیلات هستند. پس این مشاورها چه می‌کنند؟ کجا هستند؟ بچه‌هایی که با بهره‌ی هوشی کم‌تر از ۸۶ از دبستان پا به مدارس راهنمایی می‌گذارند، مردود می‌شوند؛ زیرا هیچ نسبتی بین ضریب دشواری درس‌های دوره‌ی راهنمایی و بهره‌ی هوشی بچه‌ها وجود ندارد. وقتی که این را می‌فهمیم، چرا کاری نمی‌کنیم؟ پس شوراهاى مختلف آموزش و پرورش چه می‌کنند؟ مردودی‌های دو ساله به کجا می‌روند؟ چه کار می‌کنند؟ در سال گذشته از تعداد یک میلیون و دویست هزار نفر دانش آموز سال سوم متوسطه، فقط ۵۴۰ هزار نفر وارد دوره‌ی پیش‌دانشگاهی شده‌اند. بقیه‌ی این‌ها کجا هستند؟ اگر افرادی مثل محمد بیچه، که در پاکدشت ۲۴ تا ۲۵ نفر بچه را نابود کرد، به مدرسه می‌رفتند، این فاجعه رخ نمی‌داد.

امروز بیش از هر زمان دیگر به بازنگری و اجرای مشاوره نیاز داریم. ما برای هر ۳۰۰ نفر دانش آموز به یک مشاور نیاز داریم که در مجموع ۴۰ هزار نفر می‌شود. بنابراین، باید ۸۰ درصد ظرفیت دانشکده‌های علوم تربیتی و علوم پایه‌ی کشور را به آموزش و پرورش اختصاص دهیم. نظر من این است که بیش از ۸۰ درصد ظرفیت کارشناسی ارشد و دکترا به فرهنگیان اختصاص یابد. باید علاوه بر دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا برای معلمان دوره‌های کوتاه‌مدت و بلند بگذاریم؛ آن هم برای معلمانی که بین بچه‌ها محبوب‌اند. آن‌ها را جذب مشاوره کنیم تا کار مشاوره‌ای کنند. مشاور حاذق می‌تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم بستر هدایت بچه‌ها را فراهم کند. بعضی از نوجوانان درون‌گرایی

فوق‌العاده‌ای دارند ولی دوست دارند از دل و زبان هم سالان خود بشنوند. مشاور بصیر گاهی اوقات در جلسات گروهی، آن چه را که بچه‌ها نپرسیده‌اند ولی دغدغه‌ی ذهنی آن‌هاست، مطرح می‌کند؛ یعنی، مشاوره‌های غیرمستقیم و در سایه بسیار مهم‌اند. از جمله‌ی دغدغه‌های بچه‌ها که رویشان هم نمی‌شود آن‌ها را بر زبان بیاورند، مسائلی درباره‌ی خودارضایی، نماز، غسل، خویش‌ن‌داری، قاعدگی، مسائل ازدواج، دوست‌دختر، دوست پسر و... است.

مشاور باید هدایت‌گر واقعی باشد. او کارپرداز نیست و باید به مدیر، معلمان، خانواده‌ها و دانش‌آموزان خدمات مشاوره‌ای ارائه دهد.

نکته‌ی مهم‌تر این است که مگر ما نمی‌خواهیم بچه‌ها خلاقیت داشته باشند؟ مگر همه‌ساله این همه هزینه با عنوان جلسات، همایش‌ها و پژوهش‌هایی تحت عنوان خلاقیت نمی‌شود؟ با توجه به تعریف خلاقیت، که آمیزه‌ای از هوش و خصیصه‌های متعالی شخصیت است، فرد باید احساس خودارزش‌مندی کند، با وسایل سر و کله بزند، با نشاط باشد، دلش آرام باشد، امیدوار باشد، اهل بخشایش باشد و... این‌ها را باید مشاوره، معلم و خانواده‌ها برای بچه‌ها فراهم کنند. خلاقیت فقط با آموزش و آمیزه‌های خلاق جواب نمی‌دهد بلکه باید بستر تربیت را فراهم کنیم.

نظام آموزشی ما، به‌خصوص آموزش متوسطه، باید عوض شود و به یک نظام عمومی، کاربردی، مهارت‌محور و خلاق‌پرور تبدیل گردد. رشته‌های تحصیلی فعلی و مسئله‌ی کنکور، خانواده‌ها را دچار عذاب و ناامنی کرده است. ما در حدود یک میلیون کلاس درس داریم و ترتیب چهل هزار نفر مشاور برای آن‌ها کار سختی نیست. باید این توان را داشته باشیم و اگر این کار را به فردا واگذاریم، دیر است.

ما در سازمان نظام روان‌شناسی با کمک دوستان کمیسیون تخصصی روان‌شناسی و مشاوره‌ی مدرسه را تشکیل داده‌ایم و دوست داریم که چند نفر از آموزش و پرورش در آن‌جا حضور داشته باشند. یکی از کارهای این کمیسیون، بررسی و صدور پروانه‌ی کار

در حوزه‌ی مدرسه‌هاست. برای همه‌ی شما آرزوی موفقیت دارم.

در پایان این همایش نیم‌روزی، میزگردی تحت عنوان چالش‌های برنامه‌ی راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش و چشم‌انداز آن در برنامه‌ی پنجم توسعه تشکیل شد. اعضای میزگرد خانم‌ها دکتر نوایی‌نژاد، دکتر احقر، دکتر اشتهدریان و آقایان دکتر صافی، دکتر فرزند، مهندس امیری و مهندس نوید بودند.

مهندس نوید (دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش): با تشکر از تشکیل این نشست... اعلام آمادگی می‌کنم که اگر قرار است به اقتضای شرایط زمان و تحولات در برنامه‌ها و مقررات مربوط به مشاوره بازنگری شود، در کوتاه‌ترین زمان ممکن کار را در دستور شورای عالی آموزش و پرورش قرار دهیم... اهمیت کار مشاوره نسبت به قبل از ضریب مضاعفی برخوردار است... تحولات به گونه‌ای رقم خورده که بچه‌های ما را با چالش و مشکل مواجه کرده است... پیچیدگی شرایط محیط مستلزم تأمل و بصیرت است و انتخاب بهینه از میان گزینه‌های فراوان، به دانش و تجربه‌ی مشاوره نیاز دارد... ما در سند ملی آموزش و پرورش (سند تحول بنیادین) به‌خوبی به امر مشاوره پرداخته‌ایم.

آقای امیری (مدیرکل دفتر مشاوره امور تربیتی): ... مشاوران باید فرصت بیشتری در مدارس برای مطالعه و تأمل داشته باشند اما ساعت کار مشاوران را از ۲۴ ساعت به ۳۰ ساعت در هفته افزایش دادند و این نشانه‌ی بی‌توجهی به کارکرد مشاوره بود. بازآمدند گفتند که مشاوره نمی‌تواند ساعات غیرموظف تدریس در مدارس را به خودش اختصاص دهد که متأسفانه بر کم اهمیت بودن مشاوره تأکید شد!... از استادان محترم انتظار داریم که به ما کمک کنند تا زمینه‌ی ارتقای جایگاه علمی و اداری مشاوره فراهم شود. ما اکنون ۱۲۵۰۰ نفر مشاور داریم و با توجه به قوانین و مقررات فعلی با کمبود ۲۵۰۰ نفر نیرو مواجهیم. این کمبود بیش‌تر در مناطق محروم و نقاط مرزی کشور احساس می‌شود.

